مجله علمی پژوهش در روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی، شماره ۲۳، بهار ۱۴۰۰جلد۱، ص ۱۰۲-۹۴
http://www.jisc.ir

نقش اجتماعی معلم و نسبت آن با هویت معلمی از دیدگاه اسلام

مجله علمی پژوهش در روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی (سال هفتم)
شماره ۲۳ / بهار ۱۴۰۰ / ص ۱۰۲-۹۴

فاطمه اکبری[۱]، مرضیه خشنودی نیکو[۱]، سید محمد حسینی نیک[۲]
[۱] دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی، پردیس کوثر یاسوج
[۲] مدرس دانشگاه فرهنگیان یاسوج، دکترای فلسفه و کلام

نویسنده مسئول:
فاطمه اکبری

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بیان نقش اجتماعی معلم و نسبت آن با هویت معلمی از دیدگاه اسلام است که به روش مروری-کتابخانه‌ای انجام شده است. معلمی شغلی است که نقش آن در تربیت انسان‌ها بر کسی پوشیده نیست. معلمان بعد از انبیاء، وارثان رسالت تعلیم و تربیت انسان‌ها هستند و مسئول پرورش روح آدمی و سوق دادن عقل او به سوی کمال و در نهایت رضایت و خشنودی پروردگار می‌باشند. در جامعه انسانی، اساسی‌ترین کار، تعلیم و تربیت است کسی که این رسالت را به دوش می‌کشد معلم است. کار معلمی به هر گونه تلاشی که برای هدایت و تکامل و تعلیم و آموزش انسان صورت می‌گیرد اطلاق می‌شود. براساس همین طریق است که پیامبران، معلم بشر خوانده می‌شوند، همچنین پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده نسبت به کوچک‌ترها نقش معلم را دارند. توسعه و پیشرفت یک جامعه در ابعاد مختلف بیشتر از هر چیزی وابسته به نظام آموزشی آن جامعه است، بنابراین نقش معلم به‌عنوان مهم‌ترین عامل نظام تعلیم و تربیت، جایگاه و اهمیت به‌سزایی دارد. معلم در رشد و پرورش دانش آموزان، که جامعه آینده را می‌سازند، نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند چراکه اگر یک معلم با هویت توانسته باشد نقش اجتماعی خود را به خوبی ایفا کند دانش‌آموزان از معلم خود خوب زندگی کردن، خوش اخلاقی، کسب نان حلال را می‌آموزند.

واژگان کلیدی: اسلام، معلم، نقش اجتماعی، هویت معلم.

مقدمه

همگان می‌دانیم که یکی از ارکان اساسی رشد و توسعه اقتصادی کشورها آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت) است و تمامی صاحب‌نظران عقیده دارند که اگر در پیاده کردن سیستم صحیح آموزش و پرورش موفق باشند بر بسیاری از مشکلات و معضلات فائق آمده و جامعه خود را به سوی پیشرفت و ترقی در بسیاری از زمینه‌ها سوق خواهند داد و این موضوع بر جامعه اسلامیمان نیز صادق است (داودی، ۱۳۸۴).

پیاده کردن سیستم صحیح آموزش و پرورش مستلزم برنامه‌ریزی‌های دقیق و علمی است و آنچه در این میان چه در مراحل برنامه‌ریزی و چه در مراحل اجرا به صورت شاخص نمود پیدا می‌کند. وجود و ماهیت (نیروی انسانی) درون سازمانی است که در آن نیز سلسله مراتب و تقسیم‌بندی گوناگونی مترقب است حال اگر بخواهیم میزان اهمیت و تاثیرگذاری همین نیروی انسانی تشکیل دهنده آموزش و پرورش را مورد بررسی و کنکاش قرار دهیم. بدون هیچگونه شک و شبهات نقش انکارناپذیر معلمان به منزله ستون آموزش و پرورش در اولویت قرار می‌گیرد. منزلت یا پایگاه اجتماعی‌شان یا موقعیتی است که برای یک فرد در جامعه قائل‌اند یا تلقی و ذهنیتی است که دیگران از آن چه شخصی هست دارند (نقدی آستمال، ۱۳۹۶).

در جامعه انسانی، اساسی‌ترین کار، تعلیم و تربیت است. کسی که این رسالت را به دوش می‌کشد "معلم" است. کار معلمی به هرگونه تلاشی که برای هدایت، تکامل و تعلیم و آموزش انسان، صورت می‌گیرد اطلاق می‌شود، براساس همین تعریف است که پیامبران، معلم بشر خوانده می‌شوند، هم چنین پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده نسبت به کوچک‌ترها نقش معلم را دارند. اما در نام‌گذاری طبقات مختلفی که وظیفه تعلیم و تربیت را بر عهده گرفته‌اند, اصطلاحا تنها به یک طبقه "معلم" می‌گویند، یعنی همان کسانی که رسالت آموزش و پروش فرزندان ما را از دوره کودکی و تحصیلات ابتدایی تا دوره جوانی و تحصیلات عالی، بر عهده می‌گیرند (نیکزاد، ۱۳۸۵).

در جامعه اسلامی ما این وظیفه مهم بر عهده انسان‌های شریف، قانع و وظیفه‌شناسی است که از سر تعهد و دلسوزی به ساختن و شکل‌دهی استعدادهای مومن و کاردان مشغولند. مردم ما نیز از آن جا که به نقش این طبقه فرهیخته، آگاهند، همیشه از کارشان تقدیر می‌کنند و حتی روز مشخصی را هم به نام "روز معلم" تعیین کرده‌اند. به همین مناسبت لازم است که درباره "نقش اجتماعی معلم و نسبت آن با هویت معلمی از دیدگاه اسلام" را مورد بررسی قرار دهیم (داودی، ۱۳۸۹).

جایگاه و نقش اجتماعی معلم از نظر اسلام

قرآن کریم، برای کار فرهنگیان، نقش کار خدایی قائل است، نخستین سوره‌ای که بر پیامبر اکرم (ص) نازل شد به این نقش، اشاره می‌کند: "اقرإ باسم ربک الذی خلق الانسان من علق اقرء و ربک الاکرم الذی علم بالقلم علم الانسان ما لم یعلم" (سوره علق، آیه ۵-۱) در این سوره، صفت "تعلیم" برای خداوند متعال آمده است؛ یعنی همان کاری که معلمان بدان مشغولند. علاوه بر این، نقش معلم در جامعه، نقش پیامبران است؛ یعنی معلمان با الگوگیری از رسولان الهی به پرورش و آموزش افراد جامعه، همت می‌گمارند (رشیدپور، ۱۳۷۰).

بر این نقش در آیه‌های متعددی از قرآن کریم تصریح شده است برای نمونه در سوره جمعه می‌فرماید: ((هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب والحکمه))؛ او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن‌ها می‌خواند و آن‌ها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد (داودی، ۱۳۸۹).

در اهمیت جایگاه معلم همین بس که پروردگار متعال نخستین معلم انسانیت است، زیرا بر اساس فرموده قرآن کریم: خداوند تمامی اسماء را به آدم آموخت "و علّم آدم الاسماء کلّها" و نیز کلام وحی تأکید دارد معلم و آموزنده شما خداست "و یعلّمکم اللّه و اللّه بکلّ شیءٍ علیم" و در سوره اقرأ که به قول جمعی، آغازین سوره بود که بر رسول اکرم(ص)نازل شد، خداوند می‌فرماید" :الّذی علّم بالقلم، علّم الانسان ما لم یعلم" و در سوره الرحمن می خوانیم "الرّحمن علّم القرآن خلق الانسان علّمه البیان" (ضرابی، ۱۳۹۰).

وقتی جایگاه معلم با نقش و رسالت پیامبران مورد مقایسه قرار می‌گیرد، بنابراین؛ معلم می‌تواند یک مرجع باشد و رجوع به معلمان نیز می‌تواند ابعاد مختلفی را شامل شود، یعنی یک معلم واجد شرایط که از مؤلفه‌ها و شاخصه‌های اسلامی و دینی کافی نیز برخوردار است، نه‌تنها می‌تواند به عنوان یک مرجع علمی مورد استناد و اتکاء قرار گیرد، بلکه در مسائل دینی و حتی مشورت و قضاوت هم می‌تواند به یک مرجع مطلع، امین و مطمئن برای پاسخگویی به سؤالات مردم تبدیل شود (داودی، ۱۳۸۹).

اسلام معلم را به‌عنوان پدر روحانی معرفی می‌کند و می‌گوید: «اب معلمک» یعنی یکی از پدران ثلاثه تو، معلمی است که به تو دانش می‌آموزد و بنابراین تمام حقوقی که درباره پدر و مادر رعایت می‌شود باید در حق معلم به‌صورت کامل‌تری رعایت شود. نام معلم چنان باعظمت است که در جای جای متون اسلامی از او تجلیل به عمل آمده تا به آن حد که خداوند علیم خود را معلم خوانده و رسول‌الله (ص) فرموده‌اند: «انما بعثت

معلما»، امام خمینی(ره) نیز در این مورد فرموده‌اند: «معلم اول، خدای تبارک و تعالی است که اخراج می‌کند مردم را از ظلمات به نور و به‌وسیله انبیا و آیات وحیانی مردم را دعوت می‌کند به نورانیت، دعوت می‌کند به کمال، به عشق و به محبت و به مراتب کمالی که از برای انسان است، دعوت می‌کند. به دنبال او انبیا هستند که همان مکتب الهی را نشر می‌دهند و آن ها هم شغل‌شان تعلیم است، معلمند، معلم بشرند، آن ها هم شغل شان این است که مردم را تربیت کنند و انسان را تربیت کنند که از مقام حیوانیت بالا برود و به مقام انسانیت برسد. مقام معلم مقام والایی است، مقامی است که بالاتر از مقام معلم نیست و چنین است که وارثان انبیاء شمرده می‌شوند. چنان چه در احادیث و سخنان بزرگان آمده است و فرموده‌اند: «ان العلما ورثه الانبیاء»، یعنی دانشمندان وارثان پیامبرانند (ضرابی، ۱۳۹۰).

معلم شمع سوزان و فروزان هدایت است که نورش بر اساس حدیث مشهور «العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء» از منبع اصلی نور یعنی خدا دریافت داشته و برای نورافشانی قلوب و بینا کردن آن‌ها به منظور هدایت در طرح مستقیم و رسیدن به قرب الهی که مقصد نهایی انسان است تلاش می‌کند، معلم راهبر دل‌ها به قله‌های کمال و سعادت است معلم به مثابه باغبانی دل سوز است که بذر ایمان می‌افشاند و گل تقوا می‌پروراند. جایگاه و شأن معلم و استاد تا بدان جاست که رسول الله (ص) در کلامی به حضرت علی (ع) فرموده‌اند:« یا علی اگر یک فرد به وسیله تو و (به مدد الهی) طریق هدایت را باز یابد و به حق رهنمون گردد پر ارزش‌تر و بهتر از آن است که ما لک شتران سرخ موی فراوان باشی.» معلمان مایه حرکت و برکت جامعه هستند و حضرت علی(ع) فرموده است: «العلما باقون ما بقی الدهر اعیانهم مفقوده و امثالکم فی القلوب موجوده» دانشمندان تا پایان جهان زنده‌اند، شخص آن ها در میان نیست اما آثارشان در قلب‌ها موجود است و چنین است که علما به مقام شفاعیت می‌رسند.» (حائری‌زاده، ۱۳۸۶).

پیامبر گرامی اسلامی در این مورد فرموده‌اند: «یشفع یوم القیامه الانبیاء ثم العلما، ثم الشهداء» روز قیامت نخست انبیا شفاعت می‌کنند، سپس علما و بعد از آن‌ها شهیدان، و چنین است که از خدا می‌ترسند و به مقام عالی خشیت می‌رسند، یعنی تنها دانشمندان هستند که از خدا می‌ترسند و خشیت یعنی ترس از مسئولیت توأم با درک عظمت مقام پروردگار و این حالت خشیت مولود سیر در آیات آفاقی و انفسی و آگاهی از علم و قدرت پرودگار و هدف آفرینش است (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۲).

در نظام تعلیم و تربیت اسلام معلم مسئول تمام مقدراتی است که برای یک کشور یا جامعه پیش می‌آید و مسئول تمام مقدراتی است که برای یک کشور یا جامعه پیش می‌آید و مسئول تمام انسان‌هایی است که زیردست او باید تربیت بشوند. معلم اگر خودسازی کند و تهذیب نفس کند و حاکم بر خود باشد افراد یک جامعه صالح و صالحه خواهند بود و اگر خدای ناخواسته معلم تربیت دینی نداشته باشد سبب انحراف نسل‌ها و عصرها می‌شود و جامعه‌ای را به خرابی می‌کشاند و همه سعادت‌ها و همه شقاوت‌ها از مدرسه‌هاست و کلیدش به دست معلم است و این موضوع حکایت گر جایگاه خطیر و بسیار مهم معلم و مربی است، امام باقر (ع) فرموده‌اند: «عالم ینتفع بعلمه افضل من سبعین الف عابد». پس از نهاد خانه و خانواده که کانون پر مهر و محبت پدر و مادر است مدرسه مهم‌ترین مکان برای تعلیم و تربیت است جایی که محل بروز و ظهور رسالت خطیر معلمی است که اگر او معلمی کند راه انحراف بسته می شود و در زندان ها مسدود می گردد. مکتب تعلیم و تربیت اسلامی رسالت های مهمی را برای معلم و مربی ترسیم کرده است (افخمی اردکانی، ۱۳۹۰).

نقش الگویی معلم

پس از خانواده، مربیان و معلمان تأثیر را در تربیت کودکان دارند. کودکان در سنین پایین تحت تأثیر والدین خود هستند، اما وقتی وارد مدرسه می‌شوند از معلمان خود اثر می‌پذیرند. معلمان باید بدانند که افکار، رفتار و گفتار آنان سرمشق دانش‌آموزان است. معلم بعد از پدر و مادر با نفوذترین افراد، در امر تربیت کودک و نوجوان است. دانش آموزان به ویژه دانش آموزان دوره ابتدایی، شدیدا تحت تأثیر معلم خود قرار دارند و رفتار او را الگو قرار می‌دهند. معلم با روح و جان دانش آموز سروکار دارد و به همین جهت به عنوان یک الگوی محبوب و مطاع پذیرفته می‌شود. دانش آموزان همه اعمال و رفتار معلمان، مربیان و مدیر مدرسه را زیر نظر دارند و از طرز برخورد معلمان با یکدیگر و با مدیر و کارکنان و دانش آموزان درس می‌گیرند.

رفتار معلم الگوی بی زبان توانایی است که می‌تواند در شاگردان سخت موثر واقع شود. کمترین لغزش معلم در عمل، از تیررس دید چشمان مراقب شاگردان دور و در امان نیست. خواجه عبدالله انصاری به همان قسم که دود را دلیل آتش و خام را بر اثر وزش باد می‌داند، شاگرد و همه کیفیات روحی و رفتاری او را اثر مستقیم شخصیت معلم می‌داند و می‌گوید «دود از آتش نشان دهد خام از باد که ظاهر از باطن شاگرد از استاد». قلب و روان کودک بسان صفحه کاغذ سفیدی است که در دست نقاشی چیره دست به نام معلم قرار می‌گیرد و هر نقشی که روی آن ترسیم شود، احتمالا تا آخر عمر روی این صفحه باقی می‌ماند. معلم می‌تواند از طریق مدل و سرمشق قرار دادن خود و عملکرد مطلوب به رشد اجتماعی

کودکان کمک نماید. امام جعفرصادق می‌فرماید «مردم را به عمل خود به اسلام دعوت کنید نه به زبانتان ». همچنین قرآن کریم می‌فرماید به درستی که پیامبر برای شما الگوی خوبی است برای کسی که امید به خدا و روز آخرت دارد و خداوند را بسیار یاد می‌کند (سلجوقی، ۱۳۹۲:۹۶).
در نظریه یادگیری اجتماعی بندورا گفته شده است که یادگیرنده از طریق مشاهده رفتار دیگران به یادگیری می‌پردازد. این یادگیری به شرح زیر صورت می‌پذیرد: وقتی که یادگیرنده یعنی مشاهده کننده، رفتار شخص دیگری را مشاهده می‌کندکه آن شخص برای انجام آن رفتار پاداش یا تقویت دریافت می‌نماید آن رفتار توسط فرد مشاهده کننده آموخته می‌شود به این نوع پاداش یا تقویت جانشینی می‌گویند. وقتی که معلم یکی از دانش آموزان کلاس را برای حل مسئله‌ای از یک راه تازه مورد تقویت قرار می‌دهد، دانش‌آموزان دیگر روش این دانش آموز را سرمشق قرار می‌دهند و می‌کوشند تا همان راه حل را در مسائل خود به کار بندند. علاوه بر تقویت جانشینی، در یادگیری از راه مشاهده تنبیه جانشینی هم موثر است. برای مثال اگر مأمور راهنمایی و رانندگی راننده‌ای را به سبب سرعت زیاد در یک خیابان درون شهر جریمه کند، رانندگان دیگر که شاهد این جریان هستند، هنگام راندن اتومبیل خود در آن خیابان، آهسته‌تر خواهند راند. یا وقتی که معلم یکی از دانش آموزان را به سبب رفتار نامطلوبی که انجام داده است سرزنش می‌کند، دانش آموزان دیگر نیز از انجام آن رفتار دلسرد می‌شوند؛ بنابراین، اگر رفتار الگو یا شخصی که سرمشق قرار می‌گیرد با تقویت یا تنبیه دنبال شود، این تقویت و تنبیه بر رفتار شخصی که آن رفتار را مورد مشاهده قرار می‌دهد نیز تأثیر می‌گذارد. اگر رفتار سرمشق با تقویت دنبال شود احتمال بروز آن رفتار از سوی مشاهده کننده افزایش می‌یابد، اگر رفتار سرمشق با تنبیه مواجه شود احتمال انجام آن رفتار از سوی مشاهده کننده کاهش می‌یابد (سیف، ۱۳۹۲ :۱۷۵).
نقش الگو بودن معلم به دلیل ارتباط مستقیم و مداوم با فراگیران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ یعنی معلم توانمند می‌تواند با استفاده از خصایصی چون گشاده رویی، همبازی شدن با دانش آموزان، احترام به آن‌ها، داستان گویی، عدم سرزنش و تنبیه دانش‌آموزان و در نهایت با دادن تقویت‌کننده مثبت الگوی مؤثر برای آن‌ها بود.

نقش اجتماعی معلم در آینده دانش‌آموزان

ارسطو معلم اول می‌گوید: کسانی که فرزندان ما را به نیکی آموزش می‌دهند می‌بایست نسبت به والدین بیشتر ارج داده شوند چرا که پدر مادر فقط زندگی می‌بخشند، در حالی که معلمین هنر چگونه و خوب زندگی کردن را می‌آموزند. از این سخن ارسطو برداشت می‌شود که معلم چگونه زندگی کردن را به مردم آموزش می‌دهند پس نقش اجتماعی تأثیر گذار دارند، دانش آموزان دوست دارند در طول آموزش آغازین خود از طریق مشورت با معلمان اهدافشان در آینده را مشخص کنند پس این همان نقش اجتماعی معلم است که در جامعه می‌خواهد با هدایت دانش آموزان به شغل خود در آینده جامعه را بسازد و پایه‌های اجتماع آینده را بسازد (سایت روزنامه فرهیختگان).
معلمان معماران آینده جامعه هستند پس جایگاه معلم در اجتماع بالاست و باید خردمندترین و کاردان‌ترین افراد به این شغل وارد شوند. دانش‌آموزان تحت تأثیر عشق و محبت، منش، کاردانی و تعهد اخلاقی معلمان خود قرار می‌گیرند، چنانکه این ویژگی‌ها تا آخر عمر آنان با آنان خواهد بود، مثلا اگر معلمی واقعا بتواند راست گویی را در دانش آموزان زنده کند و معنی و سود راستگویی را به آنان بفهماند دانش آموزان راستگو خواهد داشت و در آینده افراد راستگو را به جامعه تحویل خواهد داد. ورود معلمان به مسائل اجتماعی و همراهی دانش آموزان و خانواده‌های آنان در مسیر درست یکی از نیازهای جامعه است. فرض کنیم که معلم بتواند به دانش آموزان زندگی خوب، خوش اخلاقی با هم‌نوعان، کسب نان حلال را یاد بدهد همین دانش آموزان فردا به اجتماع وارد می‌شوند، در حالی که افرادی خوش اخلاق و دارای زندگی خوب و کاسب نان حلال خواهند بود و درمقابل آن اگر معلمی رذایل اخلاقی و سستی و بی‌نظمی و بد اخلاقی را به آنان آموزش دهد در آینده افراد جامعه بی‌نظم و سست عنصر خواهند بود معلم رهبر جامعه است و می‌تواند جامعه را به هر سو به کشد هم به سوی سعادت و هم به سوی فلاکت، به همین خاطر است که جامعه‌ای روز به روز در حال پیشرفت و جامعه‌ای روز به روز در حال پسرفت است (خبرگذاری حوزه).
شخصیت معلم در اجتماع نباید با روی آوردن او به شغلی که شأن او را متزلزل می‌کند پایین بیاید، اگر این‌گونه شود جایگاه الگو مانند و اسوه معلم از بین می‌رود و باعث پایین آمدن شأن ترویج کننده علم و خود علم و دانش در جامعه می‌شود و نقش او در اجتماع کم رنگ‌تر می‌شود.
منزلت و احترام معلم تحت تاثیر ارزیابی های ذهنی افراد جامعه تعیین می شود .معلم به علت اینکه طی سالیانی به تربیت و تعلیم مشغول است پس از جایگاه اجتماعی ویژه‌ای برخوردار است زیرا در طول این مدت جامعه او را می‌شناسد و به عنوان یک الگو پذیرفته است. بزرگترین و معنوی‌ترین افراد برای اصلاح جامعه معلمان هستند. معلم علاوه بر تدریس روش زندگی مناسب و تعاملات اجتماعی را به دانش آموزان خود طی دوره خدمت خود ارائه می‌دهد، هر معلمی علاوه بر شغل معلمی خاص معلم اجتماعی ماست که به آموزش اجتماع نیز می‌پردازد پس می‌توان گفت معلم، معلم همه افراد جامعه برای رسیدن به سعادت و پیشرفت است.

یکی از شاخص‌های پیشرفت و توسعه کشوری میزان تولید علم و آموزش منابع انسانی است که همین آموزش نیروی انسانی به عهده ی معلمان است یعنی میزان پیشرفت و توسعه کشوری به معلمان آن وابسته است. کشوری پیشرفته است که در علم و دانش از دیگر کشورها جلوتر باشد و این پیشرفت در علم و دانش از کجاست.؟؟؟ بله از معلمان آن کشور، معلم علم دانش را نشر می‌دهد و آن علم و دانش معلم باعث پیشرفت کشوری می‌گردد، جایگاه یک معلم را در کشوری می‌توان با اهمیت آن کشور به علم و دانش می‌دهد سنجید، یعنی اگر جایگاه یک معلم در کشوری مناسب نباشد یعنی آن کشور و جامعه به دانش و علم آموزی اهمیت نمی‌دهد و برعکس و معلم نباید از این که به این شغل آمده ناراضی باشد و به نارضایتی را به دانش آموزان بگوید و نشان دهد، بلکه باید برای خود شغل معلمی را افتخار بداند.

توجه به معلم به معنی توجه به این قشر نیست بلکه توجه به علم و دانش و توجه به کشور و یک جامعه است. در کشورهایی مثل آلمان و ژاپن و سوئیس معلمان به دنبال علم و دانش هستند تا آن چرا که از علم و دانش یافته‌اند به دانش آموزان انتقال دهند در حالی که در کشور ما به علت بیشتر بودن کلاس‌ها و کم بودن وقت برای معلمان دیگر فرصتی برای بروز رسانی خود و کسب علم جدید ندارند که این باعث می‌شود که علم و اطلاعات معلمان کهنه بماند.

توجه به ارزش‌های اجتماعی در مدارس

چنانکه می‌دانیم مدرسه یک نهاد اجتماعی است، بنابراین هدف‌های تربیتی باید با توجه به نیازهای اجتماعی برنامه‌ریزی شوند. بعضی از مربیان تنها به نیازهای زندگی اجتماعی به عنوان تنها هدف‌های تربیتی توجه می‌کنند و بیشتر فعالیت‌های آموزشی و پرورشی را متوجه این گونه امور می‌سازند.

امور اجتماعی که در بیشتر جوامع مورد توجه مربیان واقع می‌شوند عبارتند از:

- محافظت و مراقبت از زندگی، دارایی و منابع طبیعی جامعه.
- تولید کالا و خدمات مفید و توزیع آن ها در جامعه.
- مصرف کالاها و استفاده از خدمات.
- انتقال کالا و خدمات از محلی به محل موردنیاز جامعه.
- تهیه وسایل تفریح و سرگرمی مردم.
- توسعه فعالیت های هنری و اجتماعی – فرهنگی.
- ترویج عقاید دینی.
- توسعه تعلیم و تربیت مردمی در جامعه.
- توسعه همکاری و رقابت سالم میان افراد جامعه.
- اجرای روش علمی در کلیه شئون زندگی اجتماعی.

از این دیدگاه یکی از هدف‌های عمده تعلیم و تربیت، توسعه و پیشرفت فرهنگ علمی و ارزشی جامعه است، بنابراین باید در تنظیم برنامه‌های تربیتی و ارزش‌سنجی میراث فرهنگی - اجتماعی و توسعه آن مورد توجه مربیان باشد. هدف‌های تربیتی باید متناسب با وظایف اجتماعی توسعه نهادهای تربیتی برنامه‌ریزی و اجرا شوند. لذا به دانش آموزان برای سازگاری اجتماعی، توسعه وحدت معنوی، رشد شخصیت اجتماعی و آماده کردن آن‌ها برای تحصیلات، انتخاب شغل و حرفه باید کمک شود. توجه به جریان‌های اجتماعی از قبیل همکاری، رقابت، توافق و تشابه در تنظیم هدف‌های تربیتی ضروری است. آن‌هایی که می‌خواهند هدف‌های تربیتی را تعیین کنند باید تنها مهارت‌های اساسی را برای ادامه حیات اجتماعی مدنظر قرار دهند. رشد قوه بیان و در عقاید دیگران و فهماندن عقاید خود به سایرین، آشنایی با روش‌های حل مسئله، مهارت‌های لازم جهت حفظ سلامت نفس و جسم برای خدمت به دیگران، مهارت‌های اساسی در برخورد و ارتباط با سایر اقوام و ملل و مهارت‌های ضروری برای شرکت در امور مدنی و اجتماعی باید در تعیین هدف‌های تربیتی در نظر گرفته شوند (نیکزاد و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۷).

هویت معلم

واژۀ هویت را نخستین بار اریکسون (۱۹۶۸) به کاربرد. او بر این باور بود که هویت، احساسی است که فرد در اوایل نوجوانی، خود را از همکاران مجزا و متمایز می‌داند، برای خود ثبات و یکپارچگی قائل می‌شود و خود را شبیه تصور همکاران از خود می‌داند (آشنا و روحانی،۱۳۸۹). در این میان برخی صاحب‌نظران معتقدند هویت معلم مبتنی بر باورهای اساسی وی و چارچوبی برای آن‌ها در خصوص"چگونه بودن"، "چگونه عمل

کردن" و "چگونه درک کردن" کار نقش خود در جامعه فراهم می‌سازد(ساچز ،۲۰۰۵). سرکار آرانی، هویت معلم را توانایی معرفتی، نگرشی و مهارتی و روش‌های مؤثر ایفای نقش‌های شغلی و اجتماعی مرتبط با شغل مدرس و معلم می‌داند (سرکار آرانی، ۱۳۹۳). ازلحاظ تئوری، در شکل‌گیری هویت حرفه‌ای معلمان عوامل متعددی نقش دارند، مواردی مانند فعالیت‌ها، تجربیات فرد و عوامل فردی(مانندشخصیت و جنسیت)؛ زمینه‌ای(مانندخانواده، گروه همسالان، تجربه‌های دوران تحصیل، موقعیت اجتماعی و اقتصادی) و همچنین عوامل روانشناختی و فرهنگی و تعامل بین همکاران را می‌توان نام برد.

ادیب و همکاران (۱۳۹۶) در بررسی عوامل سازندۀ هویت حرفه‌ای معلمی ازدیدگاه دانشجو معلمان بیان می‌کنند: هویت معلمان از ۵ عامل نقش تدریس و یادگیری، ایفای نقش الگو، علاقه به شغل معلمی، احساس هویت حرفه‌ای، رشد حرفه‌ای به‌عنوان یک معلم تبعیت می‌کند. نتایج پژوهش کیگان به نقل از حیدری و رضایی (۱۳۹۱) گویای آن است که هویت حرفه‌ای به توسعۀ دیگر ابعاد هویت کمک می‌کند. بر این اساس توسعۀ هویت حرفه‌ای خودارزیابی را بهبود می‌بخشد و فرد تصور بهتری از خود کسب می‌کند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۱).

دی و کنیگتون (۲۰۰۸) معتقدند معلم شدن و معلم ماندن تابعی است از رشد درون جامعه‌ای پیچیده و محیط‌های فرهنگی است که در آن، گفتمان‌ها و هویت‌ها دائماً در تنش هستند. این صاحب‌نظران همچنین می‌گویند تبدیل شدن به یک معلم حرفه‌ای شامل مصداق‌های بیرونی و تصورات شخصی است. هویت یک امر واحد نیست، بلکه از زیرهویت‌هایی تشکیل شده که نتیجه نحوه ساخته شدن احساس فرد از خودش است و در جریان توسعۀ حرفه‌ای اتفاق می‌افتد. دی و کنیکتون همچنین سه بعد ازهویت را هویت حرفه‌ای، هویت واقع شده در مدرسه یا کلاس درس و هویت شخصی فهرست کرده‌اند. این ابعاد و تجزیه و تحلیل آن‌ها برای درک اینکه موقعیت معلمان چگونه تثبیت می‌شود، مهم هستند (Day and Kington, 2008).

ارتباط میان نقش و هویت اجتماعی معلم از دیدگاه اسلام

مهم‌ترین عامل در تقویت هویت معلم، علم‌گرایی معلم است. ویژگی مهم کارکرد علم و دانش شناخت فرد نسبت به خود و جایگاه خود در نظام هستی می‌باشد و مانع از بحران هویت معلم می‌گردد. امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: «اندیشمند کسی است که قدر و منزلت و جایگاه خود را بشناسد و در جهل و نادانی انسان همین بس که قدر خود را نداند». (حیدری و همکاران، ۱۳۹۲)

بنابراین هر چه علم‌گرایی و عقلانیت معلم بیشتر شود در شناخت خود و افراد جامعه خود و مخاطبانش قوی‌تر خواهد بود و مشکلات اقتصادی و معیشتی و مالی دیگر نمی‌تواند جایگاه او را متزلزل سازد. معلم با شناخت خود و شناخت مشکلات جامعه و فرهنگ کشور با قدرت و توانمندی می‌تواند بر مشکلات فائق آید. معلم با افزایش معلومات و اطلاعات خود می‌تواند دارای ثبات شخصیت و دارای عزت نفس و اعتماد به نفس گردد و با تفکری منطقی نسبت به وضع خود و جهان بینش واقع‌بینانه‌ای پیدا کند و با علاقه‌مندی به دین و فرهنگ و میهن خویش، پاسدار هویت معلم بودن خود باشد (حسنی و همکاران، ۱۳۹۴).

چنانچه فرد را از نظر نقش‌ها و وظایف اجتماعی‌اش، مورد مطالعه قرار دهیم؛ هویت اجتماعی، انتظارهای جامعه از وی را بررسی می‌کند. ناتوانی در انتخاب شغل یا ترک تحصیل، غالبا نمودی از بحران هویت یا گم گشتگی در نقش اجتماعی است. بسیاری از رفتارهای ضداجتماعی و ناسازگارانه افراد را می‌توان از این دیدگاه توجیه کرد. برای تکوین هویت اجتماعی، باید به مسائلی توجه کنیم. اولین گام در راه رسیدن به هویت اجتماعی، تحقق تربیت جامع است. برای این منظور، باید به همه جنبه‌های وجود آدمی (فیزیکی، عاطفی، اجتماعی، ذهنی و اخلاقی) پرداخت و به ویژه از تربیت اجتماعی غفلت نکرد. در این صورت، حاصل آن، انسان فرهیخته‌ای خواهد بود که افزون بر صفات اخلاقی، عاطفی و عقلانی، از وظایف اجتماعی خویش به خوبی آگاهی دارد و نقش خود را به طور مؤثر در جامعه ایفا می‌کند. (احمدی دستجردی، ۱۳۹۷)

هویت اجتماعی، جایگاه فرد را در بین جمع مشخص می‌کند. (غضنفری، ۱۳۸۷). به عبارت دیگر تعلق خاطر تعدادی از افراد به امور مشترک با عنوانی خاص، که چنین تعلق خاطری موجب احساس همبستگی و شکل‌گیری یک واحد جمعی می‌شود که با عنوان (ما) از ماهای دیگر جدا می‌شود. (لقمان نیا، ۱۳۹۰)

فراگیرترین و بالاترین سطح هویت اجتماعی، هویت ملی است. این هویت در صورتی تحقق می‌یابد که افراد در وهله‌ی نخست، صرف نظر از خانواده، قوم، مذهب و خود را متعلق و منتسب و مدیون به آن بدانند و در برابر آن خود را مکلف بشناسند. هویت ملی از زمانی اهمیت پیدا کرد که کشورها در قالب تشکل‌های سیاسی مستقل (ملت) سر بر آوردند و افراد و گروه‌های انسانی خود را متعلق به آن ملت دانستند. هویت ملی مهم‌ترین مشخصه‌ی ملت و برجسته ترین عامل تفکیک ملتی از ملت دیگر است. (پروانه، ۱۳۹۴)

معلمان در تربیت انسان‌ها و ساخت فکر و اندیشه آنان تأثیرگذار هستید، نظام تعلیم و تربیت در مسیری انسان‌سازی در حرکت است و معلمان ما نیز باید در این مسیر همگام با نظام تعلیم و تربیت گام بردارند. هدف نظام تعلیم و تربیت، فرهنگ اجتماعی است و مدرسه کانون تربیت محله از دیدگاه سند تحول بنیادین است که باید موردتوجه قرار گیرد، زیرا نظام تعلیم و تربیت باید نهادی و اجتماعی باشد و خروجی باید دارای هویت و شخصیت باشد. هویت بخشی به دانش آموزان باید در دستور کار معلمان باشد، کودکی که در روستا درس می‌خواند باید به مدرسه خود افتخار کند حتی اگر مدرسه تخریبی باشد و این هویت بخشی از وظایف مهم معلمان است که باید در کنار هویت بخشی، خرده‌فرهنگ‌ها را نیز حفظ کنند. معلم باید کنش داشته باشد و کنش‌گر باشد و تأکید بر بروز شدن داشته باشد (سخنرانی سید عیسی میر شفیعی، سایت عبارت).

امروزه با توجه به تعریف شدن اهداف و آرمان‌هایی دینی و انقلابی برای اقشار مختلف جامعه، یک جایگاه به عنوان جایگاه هویت‌ساز خودش را نشان می‌دهد و آن جایگاه معلمی است. در سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش و برنامه درس ملی به ۳ اصل مخصوص معلمان اشاره شده است که اصل اول اسوه و الگو بودن این قشر جامعه است.

یکی از مهم‌ترین فرآیندهای تربتی داشتن الگو در جامعه است و اصل اسوه و الگو بودن معلم به عنوان چهارچوب آموزشی کشور یک اصل غیر قابل انکار است و معلم باید در جامعه یک جایگاه مرجعیت داشته باشد و طبقات مختلف جامعه به او رجوع کنند که اگر این باور مرجعیت برای معلم و مردم جامعه ایجاد نشود تعلیم و تربیت نتیجه خوبی نمی‌گیرد. انتقال علوم و دانش در بستر تربیتی سالم و صحیح محقق می‌شود و وظیفه امروز معلم در دنیای امروزه فقط پرورش و تربیت دانش آموزان است چرا که آموزش با یک سی دی آموزشی هم می‌تواند محقق شود ولی تربیت صحیح احتیاج به بسترسازی معلمان دارد. رشد دانش آموزان مبنی بر آموختن چهار مهارت مهم است که باید کارآفرین باشند، با هم نوع خود همزیستی داشته باشند، به فناوری نو اشراف داشته باشند و یک زبان بین المللی برای ارتباط با نوع بشر در هر جای دنیا را بیاموزند.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالعات انجام شده مشخص شد که معلمان ستون آموزش پرورش می‌باشند و نقش اجتماعی بسیار زیادی بر آینده دانش‌آموزان خود دارند. از آنجا که معلم می‌تواند یک مرجع باشد و رجوع به معلم برای حل مسائل دینی و پاسخگویی به سوالات ما توسط معلم برخی از دغدغه‌های روزمره را کاهش می‌دهد و به گفته رسول الله (ص) معلمان مایه حرکت و برکت جامعه هستند. دانش آموزان به ویژه دانش آموزان دوره ابتدایی، شدیدا تحت تأثیر معلم خود قرار دارند و رفتار او را الگو قرار می‌دهند. معلم با روح و جان دانش آموز سروکار دارد و به همین جهت به عنوان یک الگوی محبوب و مطاع پذیرفته می‌شود. دانش آموزان همه اعمال و رفتار معلمان، مربیان و مدیر مدرسه را زیر نظر دارند و از طرز برخورد معلمان با یکدیگر و با مدیر و کارکنان و دانش آموزان درس می‌گیرند.

نظام تعلیم و تربیت در هر جامعه‌ای وظایف عدیده‌ای دارد که یکی از آن‌ها تلاش در جهت تحقق و تقویت هویت اجتماعی و ملی معلمین است. تحقق بخشیدن به چنین هویتی، موجب می‌شود ما معلمانی داشته باشیم که هویت شغل خود یعنی چگونه بودن و چگونه عمل کردن را بدانند و بتواند از نظر اسلامی نقش خود را در جامعه ایفا کنند. داشتن نقش و هویت اجتماعی از نظر اسلامی منجر می‌شود که دانش آموزان متناسب و هماهنگ با هنجار های حاکم بر جامعه تربیت شوند. بنابراین سیستم و متون آموزشی هر کشور، تعمیق و اشاعه ارزش‌ها و هنجارهای حاکم و به تعبیری هویت و فرهنگ جمعی را در چارچوب مرزهای اسلامی به عهده دارد. از منظر آموزشی، تمامیت هویت و فرهنگ از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و جامعه‌پذیری در ابعاد مختلف آن تحقق می‌یابد.

منابع

آشنا، ح.ا. و روحانی، م.ر. ۱۳۸۹. هویت فرهنگی ایرانیان از رویکردهای نظری تا مؤلفه‌های بنیادی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی،۳(۴)۵۷-۸۵.
ادیب، ی.، فتحی‌آذر، ا. و عارف‌نژاد، س. ۱۳۹۶. هویت حرفه‌ای دانشجو معلمان. فصلنامه پژوهش در تربیت معلم،۱(۱) ۵۸-۸.
افخمی اردکانی، ع.م. ۱۳۹۰. تبیین روش‌های تربیت اجتماعی در نهج البلاغه، نشریه النهج، شماره ۲۱ و ۲۲.
حائری‌زاده، ب. ۱۳۸۶. ویژگی‌های معلم موثر، تهران، نشرقطره، چاپ چهارم.
حیدری، ح. و رضایی، ا. ۱۳۹۱. تحلیل جامعه‌شناختی هویتی حرفه‌های دانشجویان، مطالعهٔ موردی؛ دانشجویان دانشگاه مازندران، فصلنامهٔ تحقیقات فرهنگی، ۵(۲) ۱-۹.
حیدری‌نقدعلی،ژ.، عطاران، م. و حاجی‌حسین‌نژاد، غ.ر. ۱۳۹۲. تجربه‌های دوران تحصیل و شکل‌گیری هویت حرفه‌ای معلم: پژوهشی خودمردم نگارانه، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۳(۱): ۲۸-۷.
حسنی، م.، مصطفی‌نژاد، ه.، مصطفی‌نژاد، چ و شهودی، م. ۱۳۹۴. تأثیرتجربه وعوامل سازمانی بر تعهد حرفه‌ای معلمان، آزمون نقش خودکارآمدی معلمان و هویت‌سازمانی، فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۶(۱).
داودی، م. ۱۳۸۴. نقش معلم در تربیت دینی، نشر موسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.
داوودی، م. ۱۳۸۹. سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت (تربیت اخلاقی)، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
دیلمی، ا.، آذربایجانی، م. ۱۳۸۲. اخلاق اسلامی. قم. نشر معارف.
رشیدپور، م. ۱۳۷۰. تربیت کودک از دیدگاه اسلام. تهران. نشر کعبه، چاپ سوم.
سرکار آرانی، م. ر.۱۳۹۳. تغییر برنامهٔ درسی برای بهسازی آموزش «،رشد معلم، شماره هفتم و هشتم، ۳۷-۳۴.
سلجوقی، م. ۱۳۹۲. فعالیت‌های تربیتی- اجتماعی و فوق برنامه. کرمان. نشر خدمات فرهنگی کرمان. چاپ اول.
سیف، ع. ا. ۱۳۹۲. روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش. تهران، نشر دوران، چاپ دوم.
ضرابی، ع.ر. ۱۳۹۰. تربیت محبت محور، اسلام و پژوهش های تربیتی، سال سوم، شماره ۱.
نقدی آستمال، ظ. ۱۳۹۶. بررسی نقش معلم بر تربیت اخلاقی و دینی دانش آموزان ابتدایی بر اساس تعالیم مقدس اسلامی، پنجمین رویکرد همایش ملی در علوم انسانی و مدیریت.
نیکزاد، م. ۱۳۸۵. اصول کاربردی نظریه‌های تربیتی، تهران، نشر پشوتن، دوم.
Day, Christopher, and Kington, Alison. 2008. Identity, well-being and effective-ness: the emotional contexts of teaching. Pedagogy, Culture & Society 16(1), 7-23. Doi: 10.1080/1468136070187774.
https://www.mehrnews.com
https://sahebnews.ir
http://www.ebaarat.ir
http://farhikhtegandaily.com
https://www.hawzahnews.com